



آموزش کاهش معضلات اخلاقی دانش آموزان دختر در مدارس

1- زهرا وحیدی، دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آزاد خوراسگان اصفهان

ایران

parisav@ymail.com

2- محبوبه شاه جوان، دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آزاد خوراسگان

اصفهان ایران

M_SHAHJAVAN@YAHOO.COM

مقدمه :

هدف از تعلیم و تربیت این نیست که بسان یک دستگاه کامپیوتر باکودکانمان برخورد نمائیم و آن چنان تصور نماییم که باید از لام تا لام تا کام برنامه ای خاص و از پیش طراحی شده را در درون آنها پایه ریزی و مدون نماییم، بلکه کودک و نوجوان براصل و اساس خلقت دارای خلق و خوبی الهی است و به استناد روایات و آیات، اشرف مخلوقات و موجودی است که در فطرت او خداجویی و حق طلبی مقرر گردیده و شمه ای از تمام صفات الهی توسط خالق در او به ودیعت نهاده شده، پس تربیت چه نقشی در این موجود پیچیده بازی می کند؟

اصولا تربیت بر پایه دادن اطلاعات صحیح و زدودن گرد و غبار فراموشی از زنگار وجودی انسان و پاسخ به سوالات درونی و فطری آدمی است و بعضی علماء و دانشمندان علوم تربیتی بر این اعتقادند که اگر آدمی را بدون هیچ آموزشی و بدون هیچ تاثیرپذیری از محیط و اشخاص رها نمایند، فطرت پاک او به سوی حق جویی و خداطلبی و خلقت بنیادی خویش سوق داده می شود. در اینجا اشاره به داستان موسی و شبان جناب مولوی در مثنوی اشاره بر این حقیقت وجودی انسان می باشد. موسی و شبان به خداجویی و حقیقت طلبی و وصول به اصل خویش هرکدام دست یافته اند. دو طالب که به مطلوب خویش توجه پیدا کرده و خدای جهان را با وجود خویش درک کرده اند، منتهی یکی تحت تعلیم فطرت درونی و وحی الهی و دیگری فقط تحت تعلیم فطرت درونی خویش، یکی با مربی درونی و هدایت های مستقیم الهی (وحی) و یکی فقط با استمداد از مربی درونی و در محیطی ساده و بی آرایش و به دور از هرگونه تاثیرپذیری از افراد و اشخاصی که ممکن است این فطرت پاک و بی آرایش را خدشه دار کنند و...

لذا انتقال اطلاعات صحیح و همسو با فطرت خدا نهاد که ریشه آن در هدایت انبیاء و اولیاء نمود دارد، خود ضمانتی است برای راهیابی به طرق صحیح تعلیم و تربیت و زمان شروع این مرحله از اوان دوران کودکی است که به تناسب سن تا دوران پختگی ادامه می یابد. آماده سازی محیطی ایمن از انحرافات اخلاقی راهگشای این امر خطیر می باشد، ولی متأسفانه در جوامع فعلی و با بی دقتی بعضی اولیاء و اطرافیان، به محیطی ناامن مساعد برای تعرض در سرشت پاک کودکان مبدل گردیده و توسط عوامل مغرض خارجی و بعضاً سودجوی داخلی با نمایش برنامه ها، فیلم ها، بازی های کامپیوتری، ماهواره ها،



اینترنت، لوح های فشرده مستهجن که گاهها به راحتی در اختیار خانواده و فرزندان آنان قرار می گیرد، بی توجهی به آثار بسیار مخرب و خانمان سوز پایه های تربیتی، نهاد فرزندانمان را متزلزل و سست می سازد و در این میان تهی بودن دست ارباب تعلیم و تعلم مثل نهادهای فرهنگی، آموزش و پرورش، نهاد امور تربیتی و... را از ابزاری برای مقابله با این ترفندهای شیطانی، جهت مقابله به مثل کردن آنها در انجام امور محوله خلع سلاح کرده و یا کم توان می سازد و درصد موفقیت آنان را کاهش می دهد و هر آن چه در محیط مدارس و آموزشگاهی بافته می شود، تافته شده و ترفندها و روش ها بی رنگ و کم تاثیر می گردد. خانواده ها یا برای تأمین معاش و مایحتاج مادی فرزندان ساعت ها از عمر و توان خویش را صرف می نمایند تا غذای جسم، لباس و پوشاک مناسبی را تهیه و در اختیار آنان قرار دهند و تا حد امکان خود و فرزندانمان را بی نیاز و در راحتی نسبی قرار دهند، اما از اهمیت غذای روح آنان که از اصلی ترین مایحتاج انسان ها محسوب می گردد، غافل شده و یا بی تفاوت می شوند و حتی خود نیز عامل داس زدن به این معضل می گردند.

در این جا لازم است تا مقایسه ای میان این دو نیاز ضروری انسان، یعنی غذای روح و هم غذای جسم داشته باشیم بلکه اهمیت توجه بیشتر به خوراک معنوی فرزندانمان که از راه نگاه ها- شنیدن ها- گفت و گوها- مطالعه و ارتباط ها و... حاصل می شود و در لایه های درونی آنها نشسته و شخصیت و آینده ایشان را رقم می زند، گوشزد نماییم. انسان هنگام خوردن غذا از تمام احساسات چندگانه خود در جهت تشخیص کیفیت غذا و لذت بردن از آن کمک می گیرد و اگر یکی از این حس ها خدشه ای در کیفیت آن را درک کنند به شخص هشدار داده و او را از خوردن آن منع می نمایند. چشم با دیدن غذا اگر تغییر رنگ در آن مشاهده نماید، حس شاهد یا بویایی از تغییر بوی غذا و حس چشایی از تغییرات مزه و بعد از این که غذا بلعیده شود و این موانع نتوانند از بد بودن غذا و یا مسموم بودن آن شخص را آگاه سازند. اما اعضای گوارش اعم از مری، معده، روده ها و در کل تمام اعضای بدن نسبت به این مسمومیت عکس العمل نشان داده و از این طریق شناخته شده برای اخطار و حتی دفع آن اقدام می نماید و در نهایت علائمی را بروز می دهند که شخص را وادار به مراجعه به پزشک و طی مراحل مداوا می کنند و این همه اسباب هشداردهنده در طبیعت جهت تضمین سلامت جسم انسان است که در او به ودیعت نهاده شده، ولی این سیستم پیچیده و هوشیار در مورد تشخیص کیفیت غذاهای معنوی و روح انسان وجود ندارد و بعد از خوردن غذاهای مسموم و بسیار مضر و به عبارتی ارتکاب گناهان، آثار بدو حتی کشنده آن نمود پیدا نمی کند و علائم اخطاردهنده مشابه به هیچ وجه بروز نمی کند و شخص مریض را نمی توان با علائم ظاهری شناسایی و مداوا نمود، حتی شخص از خوردن بیشتر این غذاهای مسموم، احساس لذت و نشاط کاذب خواهد نمود و آثار مخرب آن در رفتار و کردار فرد مسموم نمود خواهد کرد و تنها عامل بازدارنده آن عقل و وجدان اخلاقی انسان است که آن هم با تکرار عمل کم رنگ و بی اثر خواهد گردید و آثار مخرب این تغذیه مسموم تا سالها و بلکه تا آخر عمر بر جای خواهد ماند و به سختی و تلاش، شناخته و مداوا می گردد. در این جاست که دشواری تعلیم و تربیت انسان خود را آشکار کرده و ضرورت توجه بیشتر اولیا و مربیان به این بعد یعنی بعد پیشگیری از انحراف اخلاقی و مهیا کردن محیط سالم در خانه و مدرسه و اجتماع مشخص می گردد.

نیاز به برنامه ریزی برای آماده سازی غذاهای سالم معنوی و بانشاط برای روح پاک و بی آرایش عزیزانمان، مشهود می گردد. پایه ریزی سعادت و خوشبختی افراد از خانه و خانواده و پدر و مادر شروع می شود که مهمترین افراد و مؤثرترین آنها در هدایت و تربیت فرزندان می باشد. بی توجهی در این نقش با عنوان های موسوم به روشنفکری، ترقی، آزادی و تقلید



کورکورانه از غرب باعث مخاطرات جبران ناپذیری به روح و جسم آنها و در نهایت زایل کننده سعادت دنیا و آخرت برای همه افراد جامعه را دربرخواهد داشت، پس در این راه فرزندانمان را یار باشیم نه بار.

بیان مسئله :

سوال اصلی این است مسولین نظام، متولیان فرهنگی، و مدیران آموزش و پرورش تا کنون به چه میزان در تحقق اهداف متعالی آموزش و پرورش که مبتنی بر آموزه‌های دینی و ارزش‌های دین مبین اسلام است موفق بوده‌اند؟

آیا دانش‌آموزان که مدیران آینده کشور هستند به گونه‌ای پرورش یافته‌اند که بتوانند به دور از هرگونه تهاجم فرهنگی واجتماعی در آینده‌ای نه چندان دور مدیریت بخش‌های مختلف نظام اسلامی را بر عهده گیرند؟

نکته‌ای که باید بدان عنایت بسیار شود این است که آموزش و پرورش، فعالیت هدفمندی است که میان دو عنصر مربی و مربی جریان دارد و برای تحقق عینی آن، نیاز به بررسی مبانی، و به کارگیری روش‌های متناسب و نیز تعیین محتوا و فعالیت‌های مطلوب در تعامل مربی و مربی است. از این رو مهمترین عامل زیر بنایی تحول در آموزش و پرورش تربیت مربی و نیروی انسانی است که بر مبنای فرهنگ غنی دینی و بومی پرورش پیدا کرده است. این مهم هنگامی تحقق می‌یابد که متولیان فرهنگی و آموزشی کشور از موازی کاری اجتناب کنند و یک برنامه منسجم و لازم‌الاجرا میان تمام نهادهای فرهنگی، آموزشی و تربیتی حاکم باشد. چرا که "آموزش" و "پرورش" از موثرترین عوامل شکل‌گیری شخصیت انسان است و چنانچه مبنای نظری آن از صحت کامل برخوردار باشد فرد و جامعه می‌توانند از آثار و پی‌آمدهای مطلوب و مثبت آن بهره‌مند باشند. از این رو لازم و ضروری است تمام نهادهای اصلی و فرعی فرهنگی و اجتماعی اعم از مهد کودک، پیش دبستانی، آموزش و پرورش، آموزش عالی، صدا و سیما، رسانه‌ها، خانواده و نهادهای فرهنگ‌ساز همچون هیئت مذهبی و... در این امر متحد، منسجم و هدفمند عمل کنند. چرا که "آموزش" و "پرورش" و به طور کلی تربیت یک فرآیند اجتماعی است که باید مبتنی بر ایدئولوژی دینی و بومی جامعه استوار باشد. ایدئولوژی برای انسان یک فعالیت مستمر است که از طفولیت شروع می‌شود " ولی خمیر مایه و سرشت آن با دوران قبل از تولد ارتباط مستقیم دارد". لذا ارزشها، گرایشها و تصوراتش را از خانواده میان دایره ارتباطاتش توسط نزدیکان و هم‌بازی‌ها و سپس کار گسترش می‌یابد و در این ارتباط با دیگران و افزایش فشار زندگی بر او و نیز عوامل دیگر، به نهایت می‌رسد. پس از اینکه ایدئولوژی بازسازی شد و بر حسب اطلاعات، موقعیت‌ها و فشارهای زندگی ساخته و پرداخته شد، در روح انسان عمق پیدا می‌کند. ("ابراهیم ناصر، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی "ره"، مترجم علی حسین زاده، نوبت اول، ۱۳۸۰ ص ۱۸۸)

بر اساس این مهم ضروری است مسولین نظام و متولیان فرهنگی و آموزشی برای تحقق اسلامی شدن آموزش و پرورش به معنای عام و خاص آن اهتمام جدی داشته باشند. البته منظور از اسلامی شدن آموزش و پرورش به معنای خاص و عام آن در تمام سطوح جامعه اهتمام به امور کلیشه‌ای از قبیل ایجاد نماز خانه، اقامه نماز جماعت و... نیست اگر چه این امور لازم است ولی کافی نیست (www.migna.ir)

آن خطری که مبانی آموزشی، پرورشی و تربیتی ما را تهدید می‌کند آموزش، پرورش و تربیت "سکولار" است. اگر بر مبانی فکری، نظری و عملی "تربیتی" جهان‌بینی فلسفی- الهی حاکم شود و همه اجزای موثر در آن بر مبنای همان جهان‌بینی الهی



سیر کنند، آن گاه "آموزش" و "پرورش" اسلامی خواهد شد. و دیگر مدیران و متولیان امر دغدغه ارائه آمار افزایش کمی نمادهای دینی را در مراکز علمی - پژوهشی و ... ندارند. به دلیل اینکه دیگر این شخص پرورش یافته در نظام تربیتی آموزش و پرورش اسلامی "اقیموا الصلاه" را با روح و روان خویش لمس کرده است و ایمان دارد که "ان صلاه تنهی عن الفحشاء والمنکر" است. دیگر دغدغه فکری یا بازی سیاسی بر سر جدا سازی دختران و پسران در دانشگاهها ایجاد نمی شود چرا که خود بر مبنای "قل للمؤمنین یغضوا ابصارهم" عمل می کنند.

با توجه به مطالب فوق ضرورت رعایت اخلاق حرفه ای که باید مربیان، معلمان و کادر آموزشی و اجرایی بدان اهتمام ورزند آشکار می شود. معلمان عزیز باید به مسئولیت عظیم خود واقف باشند؛ و وظیفه خود را محصور در آموزش محتویات کتاب درسی ندانند.

چراکه تربیت یک فعالیت اجتماعی است، یعنی صورتی برای حیات جامعه است که تاریخ، درجه رشد، تحول و امیدهای آینده هر جامعه ای را نشان می دهد و میزان تلاش، همت و فعالیت های افراد جامعه به خصوص رویکرد و عملکرد مربیان و معلمان، با رشد صعودی یا نزولی آن ارتباط مستقیم دارد.

چارچوب نظری تحقیق:

معضلات دختران در مدارس:

توجه افراطی به وضع ظاهری بدن و دغدغه مانکن شدن/ ارتباط با جنس مخالف /عدم رضایت از جنسیت/ تأثیر رسانه ها بخصوص رسانه های خارج از کشور.

در سال های اخیر اقدامات بسیاری در جهت ارتقاء جایگاه زنان صورت گرفته است. مواردی چون تشکیل نهضت سواد آموزی و گسترش سواد عمومی حتی در میان عشایر در حال حرکت، حاکی از عزم جدی نظام جمهوری اسلامی ارتقای آموزش عمومی بوده است. در این میان، شاهد حضور چشمگیر دختران در امر تحصیل و پیشی گرفتن درصد قبولی آنها در مقاطع مختلف تحصیلی و افزایش حضور آنان در سمت هیأت علمی دانشگاه ها بوده ایم، اما سوال مهم این است که نظام آموزشی موجود تا چه حد در مسیر رشد و تعالی زنان در حوزه های فردی، خانوادگی و اجتماعی موثر بوده است؟

با بررسی مدارس دخترانه و صحبت با کارشناسان متوجه می شویم که مشکلات و مسائلی جدی متوجه دختران نوجوان می باشد که باید با نگاهی جامع به آسیب شناسی آن پرداخت تا بتوان به راهکاری کاربردی برای آن دست یافت.

اگر بخواهیم آسیب ها و بحران هایی که در سطح دانش آموزان دختر ملاحظه می شود را بشماریم موارد بسیاری عنوان می شود که نه تنها کمکی در تحلیل و آسیب شناسی شرایط نمی کند، بلکه ممکن است سردرگم نیز بشویم؛ لذا سعی می شود با بهره گیری از نگاه جامع نگرانه به تبیین اهم آن موارد بپردازیم:

ارتباط با جنس مخالف

- مهم ترین و پرمخاطره ترین معضل در میان دختران نوجوان درگیر شدن به بحث ارتباط با جنس مخالف می باشد که منجر به ایجاد بحران و آسیب در نوجوانان و جوانان کشور می شود که معمولاً بیشترین تخریب چه از حیث



روحي و رواني و چه جسمي متوجه دختران مي شود، چراکه نه از حمايت اطرافيان و والدين خویش برخوردار مي شوند و نه مي توانند در آینده زندگي خوب و موفقي را تجربه کنند. همينطور وقتي پای صحبت اين افراد در دادگاه خانواده مي نشيني، مي گویند: به شوهرم اعتماد ندارم، زيرا او با تمام دوست دخترهاي قبل ازدواجش رابطه دارد؛ متعاقبا آقا هم چنين حرفي را از زاويه خویش بيان مي کند.

علت اصلي چنين رفتاري در نوجوانان را بيشتر از همه بايد در خانواده ها جستجو کرد؛ در خانواده هايي که از محبت خانواده سيراب نشده و پدر از جايگاه مقتدری از سوی مادر خانواده برخوردار نيست و مرتبا از سوی مادر تحقير مي شود، دختران که طبق فطرت خویش خواهان اقتدار و محبت پدر در فضاي خانواده مي باشند، سعی مي کنند اين نياز را از سوی مردی ديگر در بيرون خانواده دريافت نمايند .

• توجه افراطي به وضع ظاهري بدن و دغدغه مانکن شدن

آنچه در ميان دختران رواج پيدا کرده اهميت يافتن ظاهر در ميان آنها به منظور تمايل به بيشتر ديده شدن است. دختران و به طور کلي زنان ميل به محبوب بودن دارند و دوست دارند به آنها محبت شود، چراکه اصيل ترين و مهمترين نياز رواني انسان برخورداري از محبت است. تأمين اين نياز حياتي باعث اعتماد به نفس، آرامش، احساس بزرگواري، شکوفايي استعدادها و خوش بيني به عالم مي شود؛ و عدم تأمين آن سبب تشويش خاطر، اضطراب و ترس، غم و اندوه و افسردگي، احساس حقارت و خودکم بيني، انزوا و گوشه نشيني، خودفروشي و انحراف مي شود، لذا مي توان ريشه بسياري از سوء رفتارهاي زنان جامعه در به نمايش گذاشتن خود را در عدم ارضاء در کسب محبت جستجو کرد. تمايل به مانکن شدن عوارض جسمي بسياري نيز به دنبال دارد چراکه آنها در سن بلوغ مي باشند که روی آوردن به رژيم نامناسب به شدت بر روی رشد جسماني آنها تأثيرات منفي مي گذارد. در مواردی هم که آنها به منظور ورزش کردن به سمت باشگاه ها مي روند، بر اثر سوء استفاده سودجويان درگير انحرافاتي شده و برای حصول زودهنگام به نتيجه از قرص هاي نيروزا استفاده مي کنند .

• عدم رضاييت از جنسيت:

متاسفانه بعد از انقلاب اسلامي ما نتوانستيم در آموزش و پرورش تصوير درستي از شخصيت هاي زنان مسلمان تاريخ اسلام که هر يك مي توانند الگويي برای همه افراد جامعه به خصوص بانوان باشند، ارائه دهيم؛ بنابراين دختران ما نتوانستند به برداشت صحيحی از جنسيت خویش دست يابند، به گونه ای که بتوانند در اثر اين خودآگاهی به خودباوري رسیده تا بدین وسيله قادر به ايفای ماموريت خویش در تکامل خانواده و اجتماع شوند . جامعه در اثر عدم تربيت صحيح در خانواده و نيز محتوای غلط در نظام آموزشی به بهانه برابري زن و مرد و عدم تبعيض جنسيتي، تمايل پيدا کردند به اينکه پسر باشند؛ لذا دائما تلاش مي کند مانند پسرها رفتار کند؛ مانند آنها بپوشد و همان مواردی را انجام دهد که معمولا آنها انجام مي دهند .



• **ضعیف شدن اخلاقیات و تغییر ارزش ها:**

در میان دانش آموزان بخصوص دختران فضایی ایجاد شده که ارزش ها بی ارزش شده و ضد ارزش ها، ارزش محسوب می شوند. زمانی صداقت داشتن، مودب تر بودن، احترام به پدر و مادر و اولیاء مدرسه، محبوب بودن و پوشش مناسب داشتن جزء ارزش های محبوب و مورد غبطه افراد جامعه محسوب می شد و همه حتی اگر خود دارای این ارزش ها نبودند، آن را تحسین می کردند اما در فضایی که در حال شکل گیری در میان نوجوانان است کسب منافع و رسیدن به آنچه برایشان مطلوب شمرده می شود هدف بوده و از هر وسیله ای برای دستیابی به آن بهره می گیرند؛ در چنین جهانی دروغ گویی و کلاه گذاشتن بر سر دیگران به منظور کسب پول و منافع بیشتر و کسب نمره و مدرک بدون هیچ زحمتی ارزش شمرده می شود و از سوی جامعه هم سالان مورد تشویق قرار می گیرد.

کاهش عزت نفس در افراد و احساس حقارت و خودکم بینی نسبت به افراد با سطح مالی بالاتر همچنین عدم احترام گذاشتن به بزرگان خانواده و نیز معلمان و اولیاء مدارس که در نوجوانان چه دختر و چه پسر به صورت مشترک دیده می شود.

تلفن همراه :

امروز به خاطر وجود تکنولوژی و وسایل ارتباطی این ناهنجاری ها بیشتر از قبل شده است. وی تلفن همراه را یکی از وسایلی عنوان کرد که نقش مهمی در ایجاد معضلات اخلاقی بین دانش آموزان و به خصوص در دبیرستان های دخترانه ایفا می کند. بیشتر دانش آموزان دختر شماره تلفن همراه خود را در مدرسه به همکلاسی های خود می دهند این مورد منجر به ایجاد مشکلاتی برای آنها می شود. افراد شیاد از این طریق دختران را اغفال و به دام می اندازند. شیادان از طریق تعدادی دختر اقدام به اغفال دختران در مدارس می نمایند .

عواملی که سبب بروز چنین بحرانهایی در دختران نوجوان می شود را می توان به 5 دسته ی مجزا تقسیم کرد :

- 1- عوامل خانوادگی .
- 2- تاثیر رسانه ها بخصوص رسانه های خارج از کشور .
- 3- تاثیر پذیرفتن از گروه همسالان .
- 4- فقر محتوایی نظام آموزشی .
- 5- عمیق نبودن باورهای مذهبی .

اهمیت مشاوره در حل معضلات دانش آموزان :

انسان تنها موجودی است که با هموعان خود به تبادل نظر می پردازد و برای شناخت و حل مشکلات خود با آنان مشورت و از راهنمایی آنان استفاده می کند .راهنمایی و مشورت در طول زندگی آدمیان مطرح بوده و آنان با کسانی که مورد قبول و اعتمادشان بوده مشورت می کرده اند. با توسعه علوم انسانی و رشد علوم رفتاری به راهنمایی و مشاوره به عنوان شاخه ای



مستقل از علوم رفتاری توجه شد. امروزه راهنمایی و مشاوره به صورت حرفه ای یاورانه برای کمک به افرادی است که در رشد، سازگاری، تصمیم گیری، روابط خانوادگی، مهارت های اجتماعی و شیوه زندگی مشکلاتی دارند و مشاوره به این افراد کمک می کند تا راه حل مناسبی برای مشکلات بیابند. اهمیت مشاوره و مشورت در دین مقدس اسلام نیز مورد توجه ائمه اطهار و بزرگان دین قرار گرفته است .

بشر امروز در یک دوره پیچیده زندگی می کند، یکی از مشخصات این دوره، تخصصی شدن مسائل و وابستگی افراد به یکدیگر جهت استفاده از تخصص آنها برای تداوم یک زندگی متعادل است. لذت بردن از زندگی شخصی و رشد و تعالی شخصیت، شکوفا نمودن استعدادها و ارضای نیازها، اعم از نیازهای اولیه جسمانی، نیاز به امنیت و آرامش ، نیاز به تعلق نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن ، نیاز به احترام و نیاز به شکوفایی در دنیای امروز فرایند ساده ای نیست، در تمام این مراحل به مشاور و مشاوره نیاز است.

وظیفه نهاد آموزش و پرورش، در آماده کردن دانش آموزانی که نیروی انسانی فردا تلقی می شوند، برای مواجهه و سازگاری با مقتضیات قرن بیست و یکم که از حساسیت ویژه ای برخوردار است بسیار حساس و سنگین است. اضطراب ، افسردگی ، سوء مصرف مواد مخدر، رفتارهای نابهنجار، مشکلات تحصیلی، گرایش ارتباط با جنس مخالف از عمده ترین مشکلات روانی اجتماعی دانش آموزان است، به طوری که بیش از ۳۲درصد دانش آموزان از نوعی مشکل اجتماعی روانی رنج می برند.

مشکلات دانش آموزان، زنجیره ای از عوامل فردی و اجتماعی است که نیازمند دیدی جامع نگر و نظام مند به استعدادها و توانایی ها و علائق، شخصیت، ساختار و وضعیت خانواده و سایر متغیرهای محیطی است. مشاور مدرسه با آگاهی از ارتباط تنگاتنگ مشکلات تحصیلی با زمینه های روانی - اجتماعی دانش آموزان، با استفاده از متون و روش های راهنمایی و مشاوره از طریق شیوه های مختلف فردی، گروهی و خانوادگی به دانش آموزان کمک می کند تا با بررسی های همه جانبه مشکل بتوانند راه حل یا راه حل های مناسب را انتخاب و برای اجرای آنها برنامه ریزی نمایند و در نهایت عملکرد دانش آموزان در ابعاد مختلف بهبود یابد.

اهداف آموزش و پرورش زمانی تحقق خواهند یافت که برنامه ها و محتوای آموزشی با توجه به نیازها وامکانات دانش آموزان تهیه و اجرا گردند. از طریق ((خدمات راهنمایی و مشاوره)) می توان توانایی ها و نیز محدودیت های دانش آموزان را شناخت و از امکانات موجود حداکثر استفاده را به عمل آورد.

مشاور تحصیلی با شناخت دانش آموزان در زمینه های گوناگون می تواند آنان را به رشته های تحصیلی مناسب راهنمایی کند و آنان را در حل مشکلات یاری دهد. گرچه آشنایی معلم با فنون راهنمایی تدریس و عملکرد او را موثر و پربار می سازد، ولی معلم به تنهایی نه می تواند و نه فرصت دارد به تمام مسائل و مشکلات روانی و خانوادگی و تحصیلی دانش آموزان رسیدگی کند و برای هر کدام راه حل ارائه دهد. از این رو، مشاور تحصیلی با همکاری معلم و خانواده و مسئولان مدرسه می تواند دانش آموزان را در جهت رفع مشکلات تحصیلی و خانوادگی و روانی و تامین ثبات عاطفی یاری دهد و نهایتاً نیل به اهداف آموزش و پرورش را ممکن سازد.

راهنمایی کودکان و نوجوانان و بزرگسالان یک فراگرد بسیار مهم و استثنایی در حل مشکلات و معضلات این طبقات سنی می باشد. ضرورت مشاوره و راهنمایی قبل از هر چیز دیگر، در رابطه با حرفه و شغل و مخصوصاً در نظام جدید آموزش و پرورش مطرح می باشد .



دانش آموزی که از ایمنی روانی برخوردار است از مهارت های گوناگونی که در مدرسه کسب کرده با اعتماد به نفس کامل و به موقع استفاده می کند و می تواند در مواقع حساس درست تصمیم بگیرد.

سلامت جسمانی + سلامت روانی = انسان سالم

میزان آشنایی معلمان دوره های آموزشی با ویژگی های عاطفی و روانی دانش آموزان در سنین مختلف یکی از عواملی است که می تواند تأمین کننده ایمنی روانی دانش آموزان باشد. بهداشت روانی دانش آموز اگر نگویم بیشتر از سلامت جسمانی او حایز اهمیت است، لاقبل به همان اندازه مهم و قابل توجه است.

در علم روانشناسی، بهداشت روانی به قابلیت برقراری ارتباط هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل تضادها و تمایلات شخصی به طور منطقی، عادلانه و مناسب گفته می شود. کودکی که از ایمنی روانی برخوردار است توانایی احترام به خود را داراست و می تواند توانایی هایش را در حد واقعی و همان طور که هست قلمداد کند، در مدرسه ارتباط خوبی با همکلاسی هایش برقرار کند و دوستی و احترام دیگران را جلب کند. این کودک در آینده نیز قادر خواهد بود نیازهای زندگی شخصی اش را تأمین کند و از اعتماد به نفس خوب و روحیه ای شاد برخوردار باشد.

بیشترین عاملی که باعث به وجود آمدن افت تحصیلی در دانش آموزان می شود وجود نداشتن ایمنی روانی برای فرزندانمان در خانه یا مدرسه است. دانش آموزی که از ایمنی روانی برخوردار است از مهارت های گوناگونی که در مدرسه کسب می کند با اعتماد به نفس کامل و به موقع استفاده می کند و می تواند در مواقع حساس درست تصمیم بگیرد.

مبانی نظری تحقیق :

بخش مهمی از دید ما درباره خودمان به ارزشهای اخلاقی ما وابسته است. کولبرگ نظریه مهم رشد اخلاقی را طراحی کرد. از دید او رشد اخلاقی پنج مرحله دارد. این مراحل به سن افراد وابسته نیست و همه افراد از کلیه مراحل آن عبور نمی کنند. مرحله اول نظر کولبرگ اخلاق دگر پیروی است. در این مرحله رفتار اخلاقی رفتاری است که به تنبیه منجر نشود. در مرحله دوم رفتار اخلاقی فرد گرایی و مبادله است. فرد کارهایی را انجام می دهد که علائق او را به پیش برد، در حالی که به دیگران نیز اجازه می دهد که چنین هدفی را دنبال کنند. در مراحل سه و چهار «اخلاق قراردادی» حاکم است. افراد در مرحله سه خود را اخلاقی می پندارند. زیرا خالصانه به دیگران اهمیت می دهند و می خواهند دیگران آنها را آدمهای خوبی بدانند. مرحله چهار، شامل درک مجرد از جامعه به طور کلی و تمسک به مقررات جامعه است. «اخلاق فراسوی قرارداد» در مرحله پنجم ظهور می کند. افراد در مرحله پنجم قادرند جامعه را غیر اخلاقی ببینند. ولی رفتار خود را براساس بیشترین نیکی برای بیشترین تعداد تنظیم کنند. براساس نظریه سایر نظریه پردازان ارزشهای اخلاقی از طریق تقلید از پدر، مادر، همسالان و معلمان فرا گرفته می شود. بنابراین رشد اخلاقی بخشی اجتناب ناپذیر از فرآیند آموزشگاهی است. وقتی معلمان درباره رشد اخلاقی بیشتر بدانند، توانایی بیشتری برای گرفتن تصمیمات آموزشی خوب در زمینه مسائل اخلاقی خواهند داشت.

دستورالعملهایی براساس مطالعات کولبرگ :

1 - از مسائل اخلاقی پرهیز نکنید.

دانش آموزان را باید تشویق کرد تا مسائل اخلاقی را که در مدرسه و در جای دیگر در زندگی ایشان رخ می دهد به بحث بگذرانند معلمان باید در این گونه بحثها با طرح سؤال به دانش آموزان کمک کنند تا تضادهای اخلاقی موجود را کشف کنند.



۲- بر استدلال اخلاقی تأکید کنید .

وقتی از معضلات اخلاقی بحث می شود ممکن است دانش آموزان محور بحث جلسه را به بحثهای غیر اخلاقی تغییر دهند وقتی آنها از مسیر خارج می شوند آنها را به سمت جنبه های اخلاقی مسئله راهنمایی کنید هم چنین عقاید دانش آموزان را با طرح «سؤالات چرا» که باعث فکر کردن ایشان درباره استدلالهای خویش و توضیح آنها می شود دنبال کنید.

۳- بر انتخاب دیدگاه اصرار ورزید.

دانش آموزان را تشویق کنید که مسائل را از دیدگاه افراد مختلف موجود نگاه کنند.

۴ - کنش متقابل دانش آموز- دانش آموز را برانگیزید.

دانش آموزان را تشویق کنید که با یکدیگر و نه با شما کنش متقابل داشته باشند.

۵- مرجع نباشید.

بعد از اینکه بحث را به راه انداختید سعی کنید خارج از بحث قرار بگیرید و فقط تلاش کنید کودکان را درباره موضوعهای اخلاقی متمرکز نگهدارید و ایشان را وادارید که دلایل آرای خویش را عرضه کنند.

۶- سطح رشد اخلاقی دانش آموزان را در نظر بگیرید .

معلمان با درک سطح استدلال اخلاقی دانش آموزان و طرح پرسش بهتر می توانند آنان را به سمت سطوح پیچیده تر استدلال اخلاقی رهنمون شوند.

۷ - فضای حمایت کننده به وجود آورید:

هرگاه مسائل اخلاقی در یک گروه مورد بحث قرار می گیرد اختلاف رخ می دهد. دانش آموزان ممکن است درباره افکار قبلی خود شک کنند و یا حتی آنها را کنار بگذارند چنین جدال ذهنی برای رشد اخلاقی مهم است ولی باید در فضای آکنده از همکاری و اعتماد پدید آید. به دانش آموزان خود کمک کنید تا دریابند که برهم خوردن تعادل موجود به رشد بیشتر می انجامد و اینکه شک کردن درباره استدلال فرد دیگر مساوی با شک کردن درباره ارزشهای شخصی او نیست.

فرضیه های تحقیق :

- 6- بین سطح توجه والدین دختران پر معضل و کم یا بدون معضل تفاوت معناداری وجود دارد .
- 7- بین تحصیلات پدر و مادر دختران پر معضل و کم یا بدون معضل تفاوت معناداری وجود دارد .
- 8- بین داشتن اعتیاد اعضای خانواده در دختران پر معضل و کم یا بدون معضل تفاوت معناداری وجود دارد .
- 9- بیم میزان ارتباط با جنس مخالف در دختران پر معضل و کم یا بدون معضل تفاوت معناداری وجود دارد .
- 10- بین مشکلات مالی خانواده های دختران پر معضل و کم یا بدون معضل تفاوت معناداری وجود دارد .

روش :

نوع پژوهش :

مطالعه ی حاضر از نوع پژوهش علی - مقایسه ای است که جهت بررسی معضلات اخلاقی دختران در مدارس طراحی شده است .



جامعه ی آماری و روش نمونه گیری :

جامعه ی آماری پژوهش حاضر شامل دختران دانش آموز در مقطع هنرستان و متولدین سالهای 1377 تا 1379 بوده که برای انجام مقایسه از نظر سنی در یک گروه سنی هستند. نمونه ی آماری تحقیق شامل 33 نفر از دختران دانش آموز پرمعضل بعنوان گروه آزمون و 33 نفر از دختران عادی (دختران دانش آموزی که کمترین معضل را در مدرسه داشته اند و یا عبارتی بدون معضل بوده اند .) بعنوان گروه کنترل و با استفاده از نمونه گیری در دسترس از 26 کلاس 15 نفره ی یک هنرستان انتخاب شده اند .

ابزارهای پژوهش :

برای جمع آوری اطلاعات ، ابزار پژوهش پرسشنامه بود که در دو نوع و در قالب سوالاتی در سطوح سنجش اسمی – رتبه ای و فاصله ای برای هر دو گروه تهیه شده بود و بصورت مصاحبه ای و با مراجعه به افراد نمونه تکمیل شده است .

ارائه ی راهکارهایی جهت کاهش معضلات اخلاقی دانش آموزان دختر در مدارس :

ایمنی روانی موضوع بسیار مهمی است که متأسفانه آن طور که باید به آن توجه نمی شود، در حالی که ایمنی روانی می تواند از مدرسه به خانه منتقل شود و از خانه به اجتماع. با روش هایی آسان و به ظاهر کم اهمیت می توان بهداشت روانی دانش آموزان را تقویت کرد.

1- پخش موسیقی های ملایم در طول مدت زنگ تفریح در مدارس ، زیرا همین موسیقی ملایم موجب افزایش تمرکز دانش آموز و آماده سازی ذهنی او برای آغاز یک ساعت جدید درسی می شود.

2- قرار دادن گلدان در کلاس ها و راهروها، توجه به فعالیت های ورزشی دانش آموزان، اجرای برنامه های شاد و گنجاندن فعالیت های فوق برنامه در میان درس ها و برگزاری اردوها همگی از عواملی هستند که می توانند در تقویت روحیه دانش آموزان و افزایش ایمنی روانی آنها مؤثر باشند. دانش آموز باید از دیدن معلم خود احساس شادمانی کنند، ولی وقتی معلمی مدام او را از نمره منفی و رد شدن و چیزهای دیگر می ترساند، دیگر چه احساس آرامشی برای دانش آموز باقی می ماند؟ در حالی که به گفته دکتر فرخنده مفیدی، بهبود پندار انسان به خود، افزایش اعتماد به نفس، کاهش احساس حقارت و توانایی بحث کردن، درست دیدن و سازگاری های اجتماعی را می توان از مدرسه آموخت.

3- پرورش اخلاقی دانش آموزان

خود پنداره دید کلی فرد درباره خودش است. این تصور باتجربه شکل می گیرد و سپس تجربه را شکل می دهد. پرورش خودپنداره همراه با آگاهی از خود در حدود سن هشت ماهگی آغاز می شود. در سالهای نخست زندگی، درک کودک از خود در سیطره خودمادی است. در دوران مدرسه ابتدایی این تأکید به خودفعال منتقل می شود. در دوران راهنمایی، خوداجتماعی در درک فرد از خودش نقش حیاتی می یابد در حالی که بیشتر دانش آموزان دوران دبیرستان در درک از خویش بر خودروانی تأکید دارند. معلمان می توانند در جهت تسهیل رشد خودپنداره دانش آموزان نقش مهمی را ایفا کنند به ویژه از طریق انجام دادن تمرینهایی در کلاس که امکان کسب موفقیت را برای دانش آموزان فراهم و در ایشان دید مثبتی درباره خودشان پدید آورد.



4- مدرسه خوش رنگ

طراحی محیط از نظر نور و رنگ یکی از عوامل بوجود آورنده ایمنی روانی در مدارس است، زیرا نور و رنگ واکنش های انسان را تحت تأثیر قرار می دهد و واکنش های مثبت و منفی به دنبال خواهند داشت. یکی از وظایف آموزش و پرورش بانشاط کردن محیط های آموزشی و استفاده از رنگ آمیزی مناسب در مدارس است، چرا که فضای شاد و ایمن در مدارس علاوه بر آنکه به دانش آموزان شادمانی می دهد، از افسردگی معلمان هم جلوگیری و انگیزه آنها را برای کار و فعالیت مستمر بیشتر می کند.

هر رنگی طول موج ویژه ای دارد و باعث می شود احساسی خاص در فرد بوجود آید. مثلاً قرمز با طول موج بالا در فرد ایجاد هیجان می کند و بنفش فرد را به آرامش فرا می خواند. پس بهتر است که مدارس، رنگی میان این دو را برای رنگ آمیزی دیوارها به کار برند، اگر چه نباید از یک رنگ برای تمام قسمت های محیط آموزشی استفاده شود و باید با توجه به کاربرد فضا، رنگ مناسبی برگزید.

علاوه بر رنگ، نور نیز در تقویت روحیه دانش آموزان نقش مهمی ایفا می کند. برای مثال، تحقیقات نشان داده پسر بچه های بی قرار و خستگی ناپذیر باید در محل های نورپردازی شده با نور ملایم قرار گیرند و برای کودکان بی توجه و مسئولیت ناپذیر باید از رنگ معکوس استفاده کرد. تحقیقات بسیاری درباره تأثیر رنگ در روحیات دانش آموزان سنین مختلف انجام شده است و نتایج جالب و کاربردی نیز به دست آمده است. دکتر حاج حسنی نژاد، یکی از محققانی که در زمینه رنگ در محیط های آموزشی کار کرده است، پیشنهاد می کند مدارس ابتدایی کلاس هایی داشته باشند با سقف سفید و دیوارهایی به دور از شفافیت که با رنگ هایی از قبیل آبی، زرد یا قرمز رنگ آمیزی شده باشند. این رنگ ها می توانند بصورت همراه به کار بروند، ولی استفاده از رنگ آبی کم رنگ که حالت سردی را القا می کند، در این مقطع توصیه نمی شود. مدارس راهنمایی می توانند از نارنجی برای رنگ آمیزی بخشی از مدرسه خود استفاده کنند، چرا که نارنجی نشانه گرمی و محبت اجتماعی است و از دانش آموز رفع خستگی می کند. استفاده از رنگ های ارغوانی، آبی و سبز هم در این مقطع مناسب است و حتی می توان در محیط آموزشی دختران بیشتر از رنگ زرد استفاده کرد.

دبیرستان ها هم می توانند برای رنگ آمیزی محیطشان از رنگ های زرد، سبز یا بنفش استفاده کنند، زیرا رنگ زرد القا کننده استقلال، بلوغ، هویت، تفکر، انتخاب شغل و اهداف زندگی در دانش آموزان دبیرستانی است. مدارس می توانند برای رنگ آمیزی کتابخانه هایشان از رنگ زرد کم رنگ استفاده کنند، چرا که زرد کم رنگ یا سبز روشن باعث ایجاد آرامش و تمرکز در افراد می شود.

طبق تحقیقات یک مؤسسه روانشناسی خارج از کشور روی ده هزار کودک به این نتیجه دست پیدا کرده اند که کودکان نه تا ده سال به رنگ های خاکستری تیره، سیاه، سبز روشن و آبی علاقه ای ندارند و رنگ های قرمز، نارنجی و سبز آبی را ترجیح می دهند. کودکان یازده تا دوازده ساله رنگ های سیاه، سفید، خاکستری، زیتونی و بنفش را دوست ندارند و سیزده یا چهارده ساله ها هم به رنگ های آبی و نارنجی علاقه دارند. این اطلاعات را گفتیم چون حتی رنگ روپوش دانش آموزان، بخصوص دانش آموزان دختر، در ایجاد ایمنی روانی بسیار مؤثر است.



نتیجه گیری :

دو نهاد خانه و مدرسه نقش اساسی در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان دارند. بین روش ها و منش های خانه و مدرسه باید همسویی و تشابه وجود داشته باشد و یکی از این دو کانون، کار دیگری را خنثی نکند، بلکه به عنوان دو جریان همدل و مکمل عمل کنند. مدرسه باید پیشاهنگ ارتباط با خانه باشد و با روشهای گوناگون اسباب مشارکت فکری اولیا را در امر تعلیم و تربیت فرزندانشان فراهم کند. لذا پیشنهاد می شود واحد مشاوره و تربیتی ادارات آموزش و پرورش ضمن غربالگری در مدارس و شناسایی دانش آموزان بزهکار و کنترل، هدایت، حمایت و مداوای آنان را در دستور کار قرار دهند. بی تفاوتی کنونی مدیران مدارس نوعی خیانت در تعلیم و تربیت است و عواقب شومی برای جامعه ایجاد خواهد کرد. البته بزهکاران امروز چنانچه در جامعه آزادانه رها شوند مطمئنا مجرمان فردا خواهند شد.

مدرسه می تواند با دریافت اطلاعات والدین در مورد فرزندانشان با وضعیت روحی و جسمی آنان آشنا شود و برنامه و روش مناسب را برای جهت دهی آنها به سمت درس و بروز رفتارهای مطلوب اتخاذ کند. در سایه تداوم ارتباط والدین و مربیان است که رفتارهای نابهنجار و شرایط نامطلوب آموزشی دانش آموزان بهبود خواهد یافت و محیط آموزشی محیطی امن همراه با همدلی و همکاری خواهد شد.

بدین صورت که در مدرسه :

- در مورد معضلاتی مثل لوام آرایش و ... ، معلمی غیر از معلم پرورشی برای دانش آموز مسئله سازی کند (میزان استفاده از لوازم آرایشی ؟)

- ساخت مستند در مورد لوازم آرایشی و میزان و نحوه استفاده از آن .

- خودمان در مورد مطالب ارائه شده نتیجه گیری نکنیم .

- اجازه دهیم در مدرسه و در کلاس بهترین چیزها را بپوشند ، تا جایی که بحث رسمیت از بین نرود .

- آموزش قدرت تمییز و تشخیص برای دانش آموزان .

- استفاده از رنگهای شاد برای لباس در داخل مدرسه و برای در و دیوار و کلاسهای مدرسه .

- اگر دانش آموز در مدرسه قدرت خودنمایی داشته باشد ، دیگر نیازی به خودنمایی در بیرون از مدرسه ندارد .

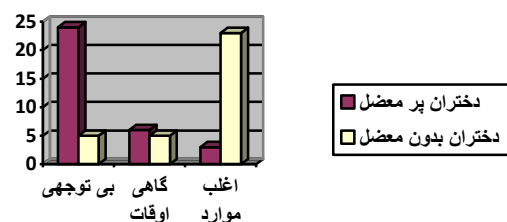
دانش آموز باید به نوعی بین گروه دوستان و معلم و پدر شرایط ابراز داشته باشد .

نمودار زیر مقایسه توجه والدین به هر دو گروه را نمایش می دهد . والدین دختران کم معضل یا بدون معضل بیشتر اوقات به فرزند

خود توجه داشته اند و مورد محبت قرار می دادند ، ولی والدین دختران پر معضل اغلب مواقع نسبت به فرزند خود بی توجه بوده اند در

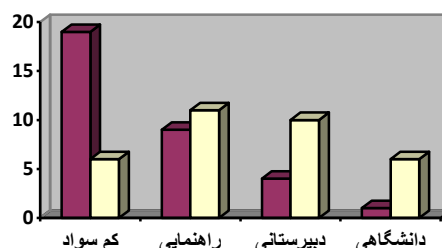
نتیجه تفاوت معناداری بین دو گروه وجود دارد و عدم توجه والدین در پر معضل شدن دختران موثر است و فرضیه تایید می

شود .

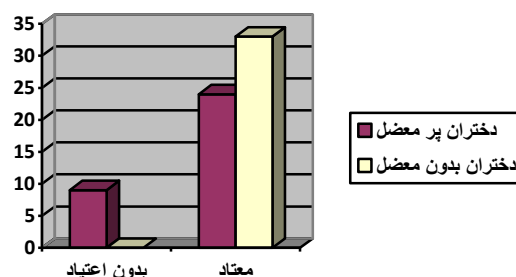




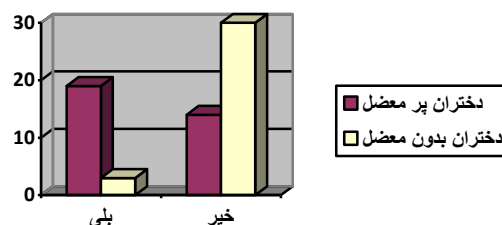
نمودار زیر میزان تحصیلات والدین دختران پر معضل و بدون معضل را نشان می دهد. با توجه به نودار تفاوت معناداری بین میزان سواد والدین هر دو گروه وجود دارد در نتیجه سطح تحصیلات والدین دختران پر معضل پایین تر از میزان سطح تحصیلات والدین دختران بدون معضل می باشد که در همین مسئله در بروز معضلات دختران موثر است و فرضیه تایید می شود.



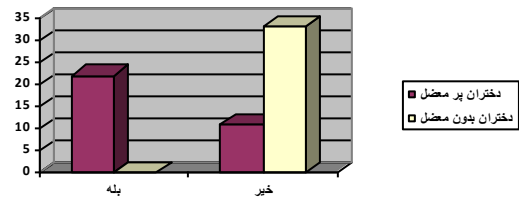
نمودار زیر اعتیاد اعضای خانواده را نمایان میکند. در اعتیاد اعضای خانواده بین دختران پر معضل و بدون معضل تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین معتاد بودن یکی از اعضای خانواده در ابتلای دختران به معضلات اخلاقی تاثیر دارد.



نمودار زیر، تجربه ارتباط با جنس مخالف را نشان می دهد. بین دختران پر معضل و دختران بدون معضل در ارتباط با جنس مخالف تفاوت معناداری وجود دارد، بنابراین ارتباط با جنس مخالف در معضلات اخلاقی دختران تاثیر بسزایی دارد و فرضیه تحقیق تایید میشود.



نمودار زیر وضعیت مشکلات مالی خانواده دو گروه دختران فوق را نشان می دهد که تفاوت معناداری بین خانواده ی دو گروه از نظر مسائل مالی وجود دارد، خانواده دختران پر معضل از نظر اقتصادی در سطح پایینی هستند، پس وضعیت اقتصادی خانواده در معضلات اخلاقی دختران از خانه تاثیر دارد.



منابع :

- 1- روزنامه رسالت
- 2- شعاری نژاد ، علی اکبر، نقش فعالیتهای فوق در تربیت نوجوانان ، انتشار اطلاعات
- 3- نوایی نژاد ، شکوه ، سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان ، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان
- 4- کاردان ، علی محمد ، مراحل تربیت ، انتشارات دانشگاه تهران .
- 5- لطف آبادی ، روانشناسی درمان بلوغ ، انتشارات سازمان ملی جوانان .
- 6- دکتر حسین لطف آبادی ، روانشناسی تربیتی .
- 7- سایت آفتاب
- 8- www. Migna . ir